

## نقش یهودیان بخاری و هندوها در روابط تجاری حصار شادمان در نیمه ی دوم عصر ۱۹ و ابتدای عصر ۲۰

یوسف شادی پور<sup>۱</sup>

یهودیان بخاری و هندوها در پیشرفت روابط تجاری در آسیای مرکزی، خصوصاً در امارت بخارا در دوره‌های گوناگون سهم بی اندازه و نقش قابل ملاحظه داشته اند. این عقیده‌ی مهم را اخبار سرچشمه‌های [منابع] تاریخی و نتیجه‌ی پژوهش‌های مورخان به پُرگی [کاملاً] ثابت می‌کنند (نک: ۷؛ ۲۷، ۴۴-۵۴ و غ.). یادآوری این واقعیت بی‌مناسبت نخواهد بود که آموزش و بررسی این موضوع مهم تا امروز از دایره‌ی نظر محققان و پژوهشگران بیرون مانده است. از این رو، نگارنده تصمیم گرفته است تا جنبه‌های تاریک و نیازمند به تحقیق این موضوع مهم را بر اساس اسناد و مآخذ تازه‌ی بایگانی‌ها و معلومات نوین سرچشمه‌های [منابع] تاریخی به دایره‌ی تحقیق وارد نموده و جهت قضاوت پیشکش دایره وسیع خوانندگان سازد.

در این گزارش علمی و پژوهشی به جنبه‌های گوناگون این موضوع، خصوصاً، نسبت به فعالیت تجاری یهودیان بخاری و هندوها و همچنین نقش آنها در رواج و رونق معاملات مالی و پولی و مناسبت‌های تجاری در امارت بخارا، به‌ویژه حصار شادمان توجه و دقت بیشتر معطوف داشته شده، مضمون و ماهیت، خصوصیت‌ها، عمومیت‌ها و جنبه‌های مهم موضوع فوق‌الذکر مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است. بررسی و پژوهش سرچشمه‌های تاریخی و نتیجه‌گیری محققان حاکی از آن است که یهودیان بخاری و هندوها در آسیای مرکزی، خصوصاً در امارت بخارا و از جمله در حصار شادمان به کاسبی و هنرمندی، خرید و فروش، تجارت جزء و مانند آن شغل ورزیده، در رونق

<sup>۱</sup> - نامزد علم‌های تاریخ و دانشیار دانشگاه ملی تاجیکستان

معاملات مالی و پولی و رشد رابطه‌های سودایی [بازرگانی] و عموماً مناسبت های تجارتي سهم ارزنده گذاشته‌اند.

سرچشمه‌های تاریخی از آن شهادت می‌دهند که یهودیان از جمله‌ی قدیمترین خلق های جهان بوده، دارای تاریخ تقریباً شش هزارساله می‌باشند. پیرامون مهاجرت یهودیان به گوشه‌های مختلف عالم، خصوصاً امارت بخارا عقیده‌های گوناگون موجودند (در این خصوص مفصل نک: ۶؛ ۲۷، ۴۴-۵۴ و غ.). بنا به عقیده‌ی برخی از عالمان، بیست و پنج عصر است که گروهی از یهودیان در ورارود سکنی گرفته‌اند. طوری عبدالقادر رحیم ابراز می‌دارد «تاریخ زندگی ملت یهود در جمهوری تاجیکستان به همگان معلوم است، یهودی ها دو هزار و نیم سال است که در این سرزمین زندگی می‌کنند» (۲۱). طبق عقیده‌ی دیگر، چنانکه محقق و دیپلمات نمایان عصر نوزدهم روس ی. ک. میندورف اطلاع داده است، دقیقاً ۷۰۰ سال پیش یهودیان با امر تقدیر از بغداد به ماوراءالنهر مهاجرت کرده اند (۱۶، ۹۵).

یهودیان اساساً در قلمرو امارت بخارا سکونت اختیار نموده بودند، از این جهت آنها در تاریخ با نام «یهودیان بخاری» مشهور گردیده‌اند. همان‌گونه که آکادمیسین م. باباخان اف بطور واقع بینانه خاطر نشان کرده است، یهودیان با آنکه در اکثر ممالک و کشورهای آسیای مرکزی و بیرون از آن عمر به سر می‌برند، و لیکن در جهان با نام «یهودیان بخاری» مشهور گشته‌اند. سبب اساسی با این نام مشهور گردیدن یهودیان قبل از همه عبارت از آن است که آنها در این منطقه نسبت به دیگر موضع ها نفوذ بیشتر داشتند (۴، ۳۱۹). ولی با این وصف شماره‌ی یهودیان در اکثر شهرها نسبتاً کم بوده، اقلیت را تشکیل می‌دادند. مثلاً، یهودیان بخاری در شهر سبز ۳۰ خانواده، سمرقند ۱۰ خانواده و خیوه ۴ خانواده بودند، لیکن در بسیار شهرها، مانند خوقند، بدخشان و امثال آن عموماً وجود نداشتند (۱۶، ۹۵).

د. ن. لوگوفت محقق دوران ماقبل انقلاب روس هم پیرامون یهودیان اطلاع داده خاطر نشان کرده است که آنها قبل از همه در بخارا، شهر سبز، حصار، دوشنبه و دیگر مناطق زندگی می‌کردند (۱۴، ۱۸۳). خلاصه‌ی کلام اینکه در ابتدای عصر ۱۹ یهودیان در شهر بخارا نسبت به شهرهای دیگر این منطقه بیشتر بوده، ۸۰۰ خانواده، یعنی تقریباً ۴ هزار نفر را تشکیل می‌داده اند (۱۶، ۹۵، ۱۰۶).

محمد صادق خواجه‌ی گلشنی در اثر تاریخی و جغرافی خود «تاریخ همایون»

(۱۹۰۹) پیرامون یهودیان بخاری، دلیل‌های نو و تازه آورده، در باره‌ی تعداد و مشغولیت و زیست و زندگی آنها معلومات می‌دهد. طبق گزارشات گلشنی «در ایالت بخارا ۵ هزار حولی [خانه‌ی حیاطدار] یهودی موجودند» (۷، ۴۸). از این دلیل‌ها عیان می‌گردد که یهودیان در شهرهای گوناگون امارت بخارا، از جمله شهر سبز، کتاب، شیرآباد، بایسون، حصار، قرتاغ، دوشنبه و غیره ساکن بوده‌اند. مثلاً، در ولایت کیش [شهر سبز] به تعداد یک هزار خانوار، شیرآباد صد خانوار، در کتاب، بایسون، حصار، دوشنبه و غیره تعداد معین یهودیان زندگی می‌کردند (نک: ۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۶ و غ.).

و از همه مهمتر آنکه محمد صادق خواجه‌ی گلشنی پیرامون یهودیان امارت بخارا، از جمله بیکی حصار، خصوصاً شهرهای حصار، قرتاغ و دوشنبه معلومات بیشتر داده است. اکثر این اسناد و مواد از دسترس اهل علم و ادب دور بوده، آنها بار نخست مورد گزارش و پژوهش قرار گرفته‌اند. در واقع، در این سرچشمه‌ی نادر تاریخی مواد و سندهای نو و تازه بیشتر به نظر می‌رسند که در روشن نمودن صحیفه‌های تیره و تحقیق نشده دارای اهمیت فراوان علمی می‌باشند. چنانچه مؤلف پیرامون پیشه و مشغولیت یهودیان بخاری سخن گفته اظهار کرده است که «پیشه‌ی آنها بیشتر احتکار و رباخواری است» (نک: ۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷ و غ.).

بنا به گفته‌ی ی. ک. میندورف یهودیان در بخارا تنها در سه کوچه زندگی می‌کردند، در بین آنها همگی، دو نفر سرمایه دار ثروتمند بوده و در بسیاری از حالات صاحب کار خانه، رنگریز، فروشنده‌ی محصولات ابریشمی و شاهواری به شمار می‌رفتند (۱۶، ۹۶).

یهودیان آسیای میانه از ناحیه‌های مرکزی امارت بخارا به قسمت بیکی‌های شرقی امارت تنها در اواسط عصر ۱۹ مهاجر شدند که در آن زمان در شهر دوشنبه نخستین محله‌ی یهودیان تأسیس یافته است. همچنین اسناد و دلایل این مطلب را ثابت می‌سازند که یهودیان در موضع‌های مختلف بیکی‌های بخارای شرقی سکونت داشته‌اند. چنانچه سال ۱۸۹۹ سرهنگ آ. گالکین معلوماتی را در خصوص یهودیان پتکیسر [ترمد] ارایه داده است. از روی معلومات مردم‌شناس معروف شوروی ب. کارمیش او، چندین نفر از یهودیان بخاری با خانواده‌های خود در بایسون زندگی می‌کردند که آنها در سال ۱۹۲۴ میلادی ۳۶ نفر را تشکیل می‌دادند (۱۲، ۱۱۹).

هم‌زمان در اواخر عصر ۱۹ و اوایل عصر ۲۰ تعداد یهودیان بخاری در شهرهای

گوناگون آسیای مرکزی، از جمله در جمهوری تاجیکستان، مخصوصاً در شهرهای دوشنبه، حصار، قرتاغ و امثال آن افزوده است. از روی تازه ترین اخبار مأخذهای موجود در بایگانی‌ها در بیکی حصار ۶۰ نفر یهودی بخاری عمر به سر می‌بردند (۳، ۷۳). بنا به اطلاع بابای عبد الحلیم پیرمرد حصار، تا انقلاب اکتبر فقط در شهر حصار ۲۹ خانواده یهودی زندگی می‌کرد. شایان ذکر است که آنها در حیات اقتصادی و اجتماعی، مدنی و تجارتي بیکی حصار نقش مناسبی ایفاء نموده و در بین مردم نفوذ زیادی داشته اند (۹، ۲۹۸). همچنین در قرتاغ چند نفر از یهودیان بخاری و هندو ها زندگی می‌کردند (۱۷، ۱۹۱). اسناد و دلایل مربوط به این موضوع در بسیاری از موارد از آن گواهی می‌دهند که یهودیان بخاری در بین شهرهای بخارای شرقی از همه بیشتر در دوشنبه سکنی گزیده بودند. بنا به معلومات ش. یوسف اف محقق تاریخ خلق تاجیک تا انقلاب بخارا در دوشنبه از ۱۰۰ الی ۱۰۵ خانواده یهودیان بخاری زندگی می‌کردند (۲۸، ۱۰).

...در سالهای ۶۰-۷۰ عصر ۲۰ در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و مدنی قومیت و ملیت های ساکن اتحاد شوروی، مخصوصاً جمهوری‌های آسیای مرکزی، از جمله یهودیان بخاری شرایط نسبتاً مساعدتری فراهم آمده و در طرز زیست و زندگی آنها تغییرات بنیادی به وقوع پیوست. در نتیجه‌ی این دگرگونی ها در این مرز و بوم تعداد یهودیان بخاری افزایش یافت. مثلاً، در اواخر سال های ۸۰ عصر ۲۰ در آسیای میانه و قسماً در قزاقستان و قرقیزستان بیش از ۱۰۰-۱۳۰ هزار نفر، در تاجیکستان زیاده از ۲۰ هزار نفر، در دوشنبه ۱۵ هزار تن از یهودیان بخاری عمر به سر می‌بردند (جهت مزید تفصیل در این خصوص رجوع فرمایید: ۵، ۳).

از دهه‌ی دوم عصر بیست میلادی به این طرف اکثریت یهودیان بخاری با سبب های گوناگون این منطقه را ترک نمودند. ولی این روند را از همه بیشتر واقعه‌های سالهای ۸۰ و خصوصاً جنگ های اوایل سال های ۹۰ سده‌ی بیستم سرعت تازه بخشید. مثلاً، پس از سال ۱۹۸۹ کلاً ۷۶۹ هزار نفر از یهودیان اتحاد شوروی را ترک نموده، در اسرائیل ساکن شدند. متناسباً در سال ۱۹۹۷ ۵۵ هزار نفر و سال ۱۹۹۸ ۴۶ هزار نفر یهودی از جمهوری های سابق شوروی، قسماً از تاجیکستان به اسرائیل مهاجرت نمودند (۲۴).

خلاصه اینکه اکثریت یهودیان بخاری در اسرائیل و ایالات متحده آمریکا سکونت اختیار نموده، به زبان تاجیکی-فارسی حرف می‌زنند....

طوری معلوم است، یهودیان در جماعت ها و گروه ها متحد می شدند که

ریاست و سروری آن بر عهده ی کلانتر [رئیس و بزرگ قوم] واگذار می‌گردید. کلانتر را خود یهودیان از میان اشخاص بانفوذ و مورد احترام انتخاب می‌کردند. استاد صدر الدین عینی در «یادداشت‌ها» در خصوص یهودیان بخاری سخن گفته، به بعضی از نشانه‌ها و علامت‌های ظاهری آنها اشاره می‌کند، از جمله آنکه همه‌ی یهودیان بخارا طبق فتوای علماء و دستور امراء بخارا مجبور بودند که کمر خود را با ریسمانی که آن را از کتب می‌ساختند بندند (۲، ۱۴۶) تا بدین وسیله از دیگران ممتاز گردند.

پروفیسور ا. سمیونوف همین اندیشه را تقویت بخشیده، واقع‌بینانه خاطر نشان کرده است که یهودیان و هندوها در امارت بخارا فقط در گذر [محل‌هی] مخصوص زندگی می‌کردند. آنها جامه‌ی سیاه پوشیده، زنار به کمر می‌بستند. آنان حق نداشتند که سوار بر اسب در شهرها تردد کنند، در بیرون شهر می‌توانستند فقط از الاغ استفاده نمایند. آنها هنگام دچار آمدن با مسلمانان مجبور می‌شدند تا از مرکب پیاده شده و به «مؤمنان» راه دهند. تمام مردم غیر مسلمان بخارا انداز [مالیات] مخصوص با نام «جزیه» پرداخت می‌کردند و به این وسیله دین خود را حمایت و مستحکم می‌کردند (۲۳، ۶۲؛ ۱۶، ۹۶-۹۷). بنا به معلومات ی. ک. میندورف، حکومت بخارا از یهودیان انداز زیادی می‌ستاند که آن سالانه برای امیر تقریباً به مبلغ ۲۴ هزار سوم [واحد پول] درآمد می‌آورد (۱۶، ۹۶).

در بین یهودیان امارت بخارا، مخصوصاً حصار و دوشنبه در برابر کاسبان و هنرمندان، همچنین آدمان آسوده‌حال، مخصوصاً تاجران کم نبودند (۲۵، ۹). از این جهت کلانترهای جماعت یهودیان در آسیای میانه، از منافع اعیان و اشراف و عمل داران و ثروتمندان امارت و حکومت پادشاهی روس دفاع نموده، یهودیان محتمکش [زحمتکش] را استثمار می‌کردند. محدودیت‌های زمان استعمار به یهودیان امکان نمی‌داد تا به دهقانی مشغول شوند و در کارهای دولتی شرکت نمایند.

شهرهای امارت بخارا مهمترین مراکز سودا و تجارت و صنعتگری بوده و در آن نمایندگان مردمان مختلف شرکت می‌ورزیدند. طبق پژوهش‌ها و تحقیقات محققان نیز یهودیان در شهرهای آسیای مرکزی اساساً به تجارت و صنعتگری مشغول می‌شدند. مخصوصاً، یهودیان و هندوها در این جاده پیش‌قدم بوده، فعالانه به این کارها می‌پرداختند. در آثار و اخبار سیاحان و محققان ماقبل انقلاب روس و دیگر منابع تاریخی راجع به یهودیان و هندوها و امثال آنها اسناد و دلایل فراوان وجود دارد. چنانچه دن.

لوگوفت خبر می دهد یهودی‌ها اساساً در شهرهای بخارا، شهر سبزو، حصار، دوشنبه و غیره زندگی می‌کردند، شماره‌ی آنها هرچند در دیگر شهرها کم باشد هم، در اینجا علاوه بر «تجارت، همچنین به بعضی از ساحه‌های صنعتگری نیز مشغول می‌شدند» (۱۴، ۱۸۳). استاد صدر الدین عینی در رمان «داخونده»ی خود پیرامون یک تن یهودی قصاب سخن گفته اطلاع می‌دهد که در بخارا یوسف گرگ نام یهودی قصاب موجود بوده است که از ثروتمندان و متمولان اینجا، از جمله عظیم شاه، بیشتر گوسفند خریده است. استادعینی می‌نویسد: «دیروز هم، وی گوسفند گرفته، هنوز پولش را نداده بوده است» (۲، ۱۴۷).

دیگر اینکه یهودی‌ها نه فقط در امارت بخارا، بلکه در شهرهای بخارای شرقی نیز موقع [جایگاه] مهم را تصاحب نموده بودند. مثلاً، دن. لوگوفت گماشته‌ی حکومت پادشاهی روسیه ابراز داشته است که اکثر بخش‌های تجاری دوشنبه به یهودی‌ها تعلق دارد (۱۵، ۴۷۹). طوری که آکادمیسین ا. مختاراف خاطر نشان می‌کند در حقیقت هم، پیشه‌ی یهودیان ساکن حصار و دوشنبه همان علافی، حنطی و رباخواری است (۱۷، ۹). طبق معلومات مآخذ موجود در بایگانی‌ها از آنجاکه یهودی‌ها اساساً به تجارت و اکثراً به تجارت جزء مشغول بودند به خزینیه‌ی دولت انداز [مالیات] ضروری را می‌پرداختند. قبل از ستاندن انداز ثروت و دارایی و درآمد و فایده‌ی هر یکی از آنها به نظر گرفته می‌شد. از ۶۰ نفر یهودی ۷ نفر از بخارا به حصار جهت تجارت کردن آمده بودند.

خلاصه‌ی کلام از ۵۳ نفر یهودی ساکن حصار سالی به مبلغ ۶۳۶ تنگه جزیه گرفته می‌شد (۳، ۷۳). ولی ۷ نفر باقیمانده از پرداخت جزیه در حصار سرکشی می‌نمودند، چراکه نام آنها در لیست جماعت یهودیان بخارا ثبت بوده و کلاترشان از طرف آنها بالوکاله جزیه می‌پرداخته است. از این جهت مسئولان خدمات انداز حصار از قوش‌بیگی بخارا خواهش می‌کنند که این قضیه را بازرسی و تفتیش نموده، حقیقت حال را معین سازد. در صورت واقعیت داشتن آن هفت نفر یهودی از پرداخت انداز آزاد کرده خواهند شد (۳، ۷۳).

به غیر از حصار در قرتاغ نیز در کنار تاجیکان و ازبک‌ها، همچنین ده‌ها خانواده‌های یهودیان بخاری زندگی می‌کردند. این عقیده را ن. یرشوف مردمشناس مورد تأیید قرار داده خاطر نشان می‌سازد که در قرتاغ یهودیان بخاری سکونت داشته به کارهای تجارت و صنعتگری مشغول می‌شدند. مثلاً، یهودیانی که در محله‌ی علی‌حده‌ی نه چندان کلان (گذر جُهودها) سکنی گزیده بودند، با رنگریزی و صباغی اشتغال داشتند

(۱۰، ۱۷؛ ۲۴، ۱۹۱). هم‌چنین در بازار قرتاغ چند نفر از یهودیان بخاری به کار تجارت مشغول بودند (۱۷، ۱۹۱).

پس از زمین‌جَنبی [زمین لرزه] سال ۱۹۰۷ در قرتاغ، قرارگاه تابستانه‌ی بیک حصار از اینجا به دوشنبه منتقل شد و بدین سبب یکی از دو روز بازار، در قرتاغ به روز شنبه گذرانیده شد. از بسکه [از آنجایی‌که] دین یهودیان در این روز پرداختن به هیچ‌گونه کاری را برای پیروانش اجازت نمی‌دهد، آنها مجبوراً به دوشنبه و حصار مهاجرت کردند. قبلاً، یهودیان به بیک حصار در خصوص از روز شنبه به روز دیگر انتقال دادن روز بازار مراجعت کرده بودند، ولی با وجود آنکه بیک در این باره به شهر بخارا پایتخت امارت مراجعت نمود، این درخواست مورد قبول قرار نگرفت (۱۰، ۲۵).

یهودیان بخاری در بازار دوشنبه نیز همانند حصار و قرتاغ به سودا و تجارت مشغول بودند. در حقیقت هم یهودیان بخاری و هندوان بهر آبادی و توسعه‌ی بازار دوشنبه کارهای زیادی را انجام داده‌اند. علاوه بر این یهودیان بخاری در دوشنبه استاخانه‌های علی‌حده [کارگاه‌های جداگانه] داشته، در استحصال و خرید و فروش محصولات صنعتگری سهم مناسب می‌گذاشتند. طبق گزارش ش. یوسف اف محقق تاریخ دوران ماقبل انقلابی دوشنبه در اینجا استاخانه‌ی مخصوص جهت رنگ کردن متاع‌ها و پارچه‌های ابریشمی به یهودیان بخاری تعلق داشته است (۲۸، ۴۴). طوری که ر. یو. روژویتس سیاح ماقبل انقلاب روس اطلاع می‌دهد دوشنبه شهر عظیمی بوده و در آن بازار کلانی فعالیت می‌کرد که در آن نه تنها بخاریان، بلکه یهودیان هم خیلی زیاد بودند (۲۲، ۶۳۴).

شهرهای بخارای شرقی، مخصوصاً دوشنبه و حصار در رشد روابط تجاری این منطقه با قسمت غربی امارت بخارا از موقعیت مهمی برخوردار بودند. بنا به گفته‌ی د.ن. لوگوفت «دوشنبه در مدت طولانی همچون شهر تجارتهی در بین بخارای شرقی و قسمت غربی آن موقع بزرگ داشته، در اینجا تعداد زیاد یهودیان بخاری قرار دارند که تمام امور تجارت و سودا را در اختیار خود نگاه می‌دارند» (۱۵، ۴۷۸-۴۷۹).

در سرچشمه‌های تاریخی مربوط به اوایل عصر ۲۰، بویژه «تاریخ همایون» گلشنی بخارایی پیرامون یهودیان بخاری ساکن در حصار و دوشنبه معلومات مفصل آورده شده است. مؤلف در خصوص مردم حصار، خصوصاً یهودی‌ها که اصلاً از آب چشمه استفاده می‌بردند خبر داده، خاطر نشان می‌کند که «کودکان یهودی ظرف‌های خود را پُر از آب

کرده، بر لب جوی ایستاده‌اند. یهودیان و اهالی دیگر اطراف قلعه از خود مواظبت نموده، از آب چشمه استفاده می‌کنند» (۷، ۱۲۲). از اخبار و گزارشات یاد شده چنین بر می‌آید که یهودیان بخاری در حصار مقیم بوده، با اهل عایله و خانواده‌ی خود زندگی می‌کردند. گلشنی بخارایی نیز در این خصوص معلومات جالب آورده، خبر داده است که «یهودی های ولایت حصار هنگام گرمای تابستان به قرتاغ یا دوشنبه کوچ می‌کردند، باز وقت خنکی هوا، هنگام زمستان به حصار می‌آیند» (۷، ۹). از این دلیل‌ها به آسانی می‌توان بدین نتیجه رسید که یهودیان در بخارای شرقی، مخصوصاً در ملک حصار شادمان آزادانه می‌توانستند بود و باش و حرکت کنند.

همچنین گلشنی بخارایی در باره ی یهودیان بخاری مقیم دوشنبه نیز خبر داده و می‌نویسد: «اهالی شهر دوشنبه همه تاجیکان بوده، اهل ثروتند. در این ولایت یهودی نیز فراوان نظر به سایر ولایت حصار» (۷، ۱۲۷). به عقیده‌ی گلشنی، سبب در دوشنبه نسبت به حصار زیاد بودن نفوس یهودی در آن است که دوشنبه دارای آب و هوای ملایم و مطبوع بوده و با آبادی و معموری مشهور گردیده است و دیگر اینکه در این شهر بازار غلات و بازار سواپم رونق و رواج زیادی داشته و اکثر شترداران حتی از قرشی آمده از دوشنبه اشیاء و محصولات مورد نیاز را خریداری نموده می‌بردند (۷، ۱۲۷؛ ۱۷، ۵).

در ملک حصار یهودیان دکاندار نیز زیاد بوده، حتی همراه با دکانداران محلی یک‌جا سودا و تجارت می‌نمودند. مثلاً، طبق اطلاعات برخی از منابع تاریخی، انداز دکان خال نام تاجری همراه با انداز دو عدد دکان متعلق به عبران یهودی مبلغ ۷ تنگه را تشکیل می‌داد. دکان های متعلق به این دو نفر مال های زیادی داشتند. از باب مقایسه دکانداری که با نام غیاث آقسقال [ریش سفید] معروف بوده است از ۷ دکان خود فقط نیم تنگه انداز پرداخت می‌کرده است، در صورتی که خال و عبران یهودی از ۳ دکان به مبلغ ۷ تنگه انداز می‌پرداختند (۱۷، ۱۰).

به غیر از یهودیان مقیم حصار شادمان، یهودیان از شهرهای دوردست جهت انجام کارهای تجاری به این شهر آمد و رفت داشتند. مثلاً، دو نفر تاجر یهودی از سمرقند در روز آفت طبیعی (۸ اکتبر سال ۱۹۰۷) در قرتاغ حضور داشتند، از این واقعه‌ی مدهش و وحشت انگیز به اضطراب آمده، دیده و شنیده‌های خویش را به دیگران نقل می‌نموده‌اند. طبق اخبار مطبوعات ادواری اوایل عصر ۲۰ از جمله روزنامه ی «روسکایا اوکرائینا» («حومه و اطراف روسیه») (۱۹۰۷) در سال ۱۹۰۷ در قرتاغ فاجعه‌ی فوق العاده



دهشت انگیز به عمل آمده، موجب خسارات زیادی شده است. دو نفر یهودی تاجر سمرقندی در روز آفت طبیعی در اینجا بودند، پس از بازگشت خود از قرتاغ چنین نقل نمودند که «با کثافت زلزله در تاریخ ۸ اکتبر سال ۱۹۰۷ شهر واقعا خراب گردیده و بسیاری از ساکنان آن به تهلکه افتاده، هلاک گشتند. مواضع متعدد قشر زمین شکافته شده و از کوه سنگ فرود آمد».

در دوشنبه، حصار، قرتاغ و دیگر شهرها به جز از یهودیان بخاری، همچنین هندوها، افغان ها، ایرانیان و غیرهم عمر به سر می بردند (۲۸، ۱۰). طبق اخبار سندهای محفوظ در بایگانی، سال ۱۹۱۳ در دوشنبه ۱۲۰ خانوادگی مهاجران زندگی می کردند (۲۰، ۳) و البته آن ها در پیشرفت حیات اقتصادی، تجاری و مدنی کشور نقش بزرگ ایفاء نموده اند.

در حقیقت هم این طایفه ها و گروه ها در رشد مناسبت های تجارتي در بخارای شرقی، مخصوصاً ملک حصار شادمان سهم مناسب گذاشته اند.

شایان ذکر است که در پیشرفت مناسبت های تجارتي در امارت بخارا سهم هندو ها نیز نسبتاً بیشتر بوده است. آن ها در شهرهای گوناگون آسیای مرکزی، مخصوصاً امارت بخارا نفوذ زیادی داشتند: در بخارا ۳۵۰ نفر، قرشی ۳۷ نفر، خُزار ۲۲ نفر، کتاب ۲۰ نفر، شهر سبز ۱۰ نفر، کرکی ۸ نفر، بایسون ۵ نفر و امثال آن (۱۱، ۱۴۴). طبق گزارش گ. ل. دمیتریف، در نیمه ی دوّم عصر ۱۹ و اوایل عصر ۲۰ در آسیای میانه همگی ۶-۸ هزار هندو ها بود و باش می کردند (۱۱، ۱۴۴). د. ن. لوگوفت محقق ما قبل انقلاب روس نیز راجع به هندوها معلومات تازه آورده و نوشته است که تعداد آنها در امارت بخارا تا ۵ هزار نفر را تشکیل می دهد. هندوها در قسم زیاد شهرهای امارت مسکن گرفته، اکثراً صاحب زمین های خصوصی، خانه و جای، کاروانسرای و باغ و راغ می باشند (۱۴، ۱۸۱-۱۸۲). مشغولیت اساسی آنها صنعتگری و تجارت به شمار می رفت. اصلاً هندوها در امارت بخارا از دو گروه عبارت بوده، یکی به سودای چای، نیل و دیگر اموال و اجناس هندی، گروه دیگر به سودخوری [ربا خواری] اشتغال می ورزیدند، ولی گروه اخیر برتری داشته است (۱۱، ۱۳۷).

علامه صدرالدین عینی در قسمت مربوط به «هندوهای سودخور» در «یادداشت ها» اطلاع می دهد که «در شهر بخارا سه سرای (کاروانسرا؛ یو.ش.) هندوها موجود بوده که در هر کدام آن از ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از هندوهای سودخور زندگی می کردند (۱، ۵۳).

همچنین در ناحیه‌های غجدوان، واکند، قرشی و دیگر مضافات بخارا نیز کاروانسرای هندوها وجود داشته، آنها از حمایت و پشتیبانی حکومت امیر برخوردار بوده و مردم را تراج می‌کردند (۱، ۵۳).

در یکی از آن کاروانسراها یک تن هندی معروف با نام "بایرجی" زندگی می‌کرد، ولی وی سودخوری نکرده، بلکه کسب اساسی او جواهرفروشی به شمار می‌رفت. او در این ساحه خیلی مشهور بود تا آنجا که سنگ‌های قیمت بها را که در بخارا در بین آدمان خرید و فروش می‌شد، جهت نرخ کردن و قیمت گذاشتن به او نشان می‌دادند و او در عوض این خدمت از فروشنده و خریدار دلالی می‌گرفته است (۱، ۵۲).

آکادمیسین ب. اسکندروف اطلاع می‌دهد که هندوان نه فقط به سودخوری و مبادله‌ی ارز مشغول بودند، بلکه در واقع در بین آنها نمایندگان شعبات بزرگ مربوط به خرید و فروش مراکز تجاری در آسیای میانه کم نبودند. تحقیقات دیگر نیز این مطلب را ثابت نموده، برخی از مشترکات و خصوصیات مناسبت‌های تجارتهای را در آسیای مرکزی نشان داده‌اند. با آنکه فعالیت اساسی هندوان در آن زمان همانند یهودیان بخاری، افغان‌ها و غیرهم تجارت و سودخوری محسوب می‌شود، ولی از همه بیشتر خرید و فروش مال‌های هندی در اختیار هندوان قرار داشته است (۱۱، ۱۳۴). مثلاً، سال ۱۸۹۶ در تاشکند ۵۰ نفر از تاجران هندی فعالیت می‌کردند که از آنها ۱۰ نفرشان با سودای چای مشغول بودند (۱۱، ۱۲۹).

در قرتاغ در ردیف یهودیان بخاری، همچنین هندوها نیز زندگی می‌کردند. آنها در رسته‌ها، نیل و زمج می‌فروختند. طبق بعضی معلومات، "کریم زرگر" اصلاً هندو بوده، در همین دیهه ازدواج کرده، به زرگری شغل داشته است (۲۸، ۶۲). علاوه بر این در بازار قرتاغ چند نفر از هندوان به کار تجارت مشغول بودند (۱۷، ۱۹۱). ن. یرشوف مردم‌شناس نیز خاطر نشان کرده است که هندوان در قرتاغ بیشتر با کارهای آرایشی و سودخوری مشغول می‌شدند (۱۰، ۲۴). همچنین در کولاب، قبادیان و دیگر شهرها نیز چندین نفر از تاجران هندی، پیشاوری، ارمنی، جوگی و امثال آن به سودا و تجارت مشغول بودند (۱۲، ۳۰۲) این براهین و دلایل بار دیگر اندیشه‌های پروفیسور ا. سمینوف را تقویت می‌بخشد مبنی بر اینکه چون بخارا کشور دارای قوم و ملیت‌های گوناگون بود، در اینجا به غیر از ازبکان و تاجیکان، همچنین عرب‌ها، یهودیان، هندوها، جوگی‌ها و دیگران زندگی می‌کردند (۲۳، ۶۱) و در رشد و نمو این کشور سهم می‌گرفتند.

در امارت بخارا در نیمه‌ی دوّم عصر ۱۹ و ابتدای عصر ۲۰ از حساب دایره‌های تجارتي و صناعتي طبقه‌ی مخصوص اجتماعي، يعني صاحبکاران و بازرگان و تاجران تشکّل یافته، صاحب مبالغ هنگفت تجاري گردیدند که در بين آنها يهوديان بخاري، هندوان و امثال ايشان کم نبودند. طبق دلایلي که توسط پروفوسور نماز حاتم اف ارایه گردیده است، اکثریت مطلق میانجی [واسطه، در اینجا دلالت]های شعبات بانک های مرکزی روسیه در آسیای میانه از جمله‌ی مردمان محلی، بویژه تاجیکان، ازبک ها و يهوديان بخاري بودند (۲۵، ۷۶).

طوری که ا. ک. میندورف سیاح و دیپلمات روس خاطر نشان کرده است در اوایل عصر ۱۹ تعداد هندوان در بخارا زیاد می‌گردد که در میان آنها ۳۰۰ نفر تاجر هندی بوده، قسمی از آنها از کابل، مولتان و بعضی هم از شکرپور توسط کاروان های تجارتي رفت و آمد کرده، نیل، روی مال شال کشمیری و امثال آن را همراه می‌آوردند (۱۶، ۹۷).

بنا به تحقیقات دانشمندان در اواسط عصر ۱۹ در امارت بخارا ۲۰ نفر يهودی بخاري از ۳۰ تا ۴۰۰ هزار سوم مبلغ در اختیار داشته، در مناسبت‌های تجارتي فعالانه شرکت می‌ورزیدند (۱۱، ۱۳۷). طبق معلومات ی. ک. کوالیوف «خرید و فروش اکثریت محصولات کار خانجات روسیه با افغانستان و هندوستان متعلق به يهوديان بخاري بوده است (۱۱، ۱۳۰). همچنین تاجران هندی که بطور دایمی در امارت بخارا اقامت داشتند ۱۰ نفر بوده، هر یکی از ۳۰ تا ۵۰ هزار سوم مبلغ در اختیار داشتند (۱۱، ۱۳۷). به هر رو صاحبکاران و تاجران در دایره‌ی مناسبت های تجارتي فعالانه شرکت نموده، در پیشرفت و انکشاف [توسعه] آن سهم چشم گیر می‌گذاشتند.

این نکته با وضوح تمام روشن گردیده است که زبان فارسی-تاجیکی دوّمین زبان مادری يهوديان محسوب می شود. به غیر از این، يهوديان زبان مردمان ترک زبان را یاد گرفته، توسط این زبان ها، مخصوصاً زبان تاجیکی با آثار غنی و رنگین معنوی و فرهنگی مردمان شرق آشنایی پیدا نموده و از این راه در رشد و تکامل آن نیز سهم ارزنده گذاشته‌اند. مخصوصاً در میان يهوديان بخاري شخصیت های هنرمند و با معرفت و خرمند و کاردان کم نبودند. آنها غالباً با زبان سنتی مردم این مرز و بوم، یعنی با زبان فارسی-تاجیکی سخن می‌گفتند و حالا هم با این زبان گفت و گو می‌نمایند (۴، ۳۱۹).

اکثریت يهوديان بخاري خبر غلبه و پیروزی انقلاب بخارا را با خوشنودی پیشواز گرفتند. از این خاطر، امیر اموال و املاک يهوديان را مصادره کرده، آنها را به حصار بدرغه

[تبعید] نمود. یقیناً کسانی که نسبت به حکومت‌داران مقاومت نشان دادند، به جزا گرفتار گشتند. امیر آن دسته از یهودیان متمول و ثروتمند را که با منصب داران و تاجران بانفوذ محلی علاقه و ارتباط نزدیک داشتند مورد حمایت و دستگیری خود قرار داد. مثلاً، یکی از ثروتمندان کلان با نام جوهره بای جهود به امیر تحفه‌ها و هدایای زیادی پیشکش کرده و از این طریق امکانات بیشتر به دست آورد (۲۸، ۱۰).

پس از پیروزی تبدلات سیاسی در بخارا امیر عالم خان نخست در حصار و سپس در دوشنبه مسکن گرفته، در این منطقه سیاست غارتگرانه‌ی خود را ادامه می‌دهد. از بسکه خزینه‌ی امیر در بخارا مانده بود، در دوشنبه به مبلغ‌های کلان احتیاج داشت، بنا بر این با راه‌های گوناگون جمع‌آوری ثروت و مکت را پیشه‌ی خود ساخت. همچنین مال و ملک و دارایی چندین نفر از شخصیت‌های بانفوذ و آبرومند وادی حصار را با تهمت خیانت به فایده‌ی خود مصادره می‌نماید. علاوه بر این، امیر آشکارا دست به غارت زده، مال و ملک ۸۰ عدد عایله‌ی یهودی ساکن دوشنبه را غصب می‌کند (۲۸، ۸۵-۸۶). همچنین منصب داران امیر از آنها نه تنها پول و اشیاء قیمت بها، بلکه مصنوعات آرایشی و زیورآلات زنانه و مانند آن را غارت نموده، به فایده‌ی خود مصادره کردند (۲۸، ۸۶). به همین طریق، اسناد و دلایل فوق‌الذکر این مطلب را کاملاً به اثبات می‌رسانند که یهودیان بخاری، هندوان و امثال آنها در شهرهای آسیای مرکزی سکونت اختیار نموده، در پیشرفت مناسب‌های تجارته‌ی، حیات اقتصادی و اجتماعی و مدنی تاجیکان و دیگر خلق‌های این منطقه سهم گذاشته‌اند.

### منابع و مآخذ

[رقم راست در ارجاعات متن، اشاره به شماره‌ی منبع یا مآخذ مذکور در ذیل و رقم چپ، شماره‌ی صفحه‌ی کتاب است].

۱. آیینی С. Хиндухои судхӯр // آیینی С. Ёддоштхо.-Қ.3-4. - Сталинобод: Нашрдавточик, 1955.-С.50-53.
۲. آیینی С. Яхудии кӯзакаш // آیینی С. Дохунда: Роман.- Душанбе: Ирфон, 1984.-С.145-148.
۳. Бойғони марказии давлатии Ҷумҳурии Ўзбекистон.- 3.Т. 126.- Р.1.-Д.657.-В.70-74.
۴. Бобохонов М. Таърихи тоҷикони чаҳон.-Душанбе: Ирфон, 2002.-368 с.
۵. Гавриелов М. Ҳоверим-рафоқат // Тоҷикистони Советӣ.-1989.-18 июл. - С.3.
۶. Датхаев (Додихудоев) Ю.Н. О бухарских евреях.-Нью-Йорк: Денвер, 1995.-499 с.
۷. Гулшанӣ М.С. Таърихи хумоюн / Ба чоп тайёркунанда, мурағатиб ва муаллифи сарсухан Ҷ.Назриев. – Душанбе, 2006. – 168 с.
۸. Ғоибов Г.Таърихи Ҳисори Шодмон, Чағониён ва Душанбе.-Душанбе, 1999.-225 с.
۹. Зикирзода С. Уқдакушои таърих // Мухторов А. Ҳисор: Очерки таърихӣ: (Охири асри XV - аввали асри XX). – Душанбе: Адиб, 1995.-С.292-302.
10. Ершов Н.Н. Каратаг и его ремесла: (Историко-этнографический очерк). — Душанбе: Дониш, 1984. - 120 с.
11. Искандаров Б.И. Средняя Азия и Индия: (Торговые, культурные и политические связи).-Душанбе: Дониш, 1993.-160 с.
12. Кармишева Б.Х. Очерки этнической истории южных районов Таджикистана и Узбекистана: (По этнографическим данным). —М.: Наука, 1976.-324 с.
13. Колпаков А.П. Из недавнего прошлого Кабадиана / /Мат.и иссл. по археологии СССР.-М-Л., 1953.-№37.-С.300-313.
14. Логофет Д.Н. Бухарское ханство под русским протекторатом.- Т.1.-Спб., 1911.-340 с.
15. Логофет Д.Н. В горах и равнинах Бухары: (Очерки

Средней Азии).-Спб., 1913.-619 с.

16. Мейендорф Е.К. Путешествие из Оренбурга в Бухару / Предисл. Н.А. Халфина. - М.: Наука, 1975.-184 с.

17. Мухторов А. Ҳисор: Очерки таърихӣ (Охири асри XV - аввали асри XX). - Китоби 1.-Душанбе: Адиб, 1995.-304 с.; Китоби 2.-Душанбе, 1999.-122 с.

18. Мухторов А. Яхудиёни Бухоро дар мулки Ҳисори Шодмон // Ҳисори Шодмон.-1998.-9 январ.-С.11

19. Мухторов А. К истории торговой деятельности бухарских евреев в первой половине XIX в. // Дарё. - 1995. - №3.-С.16.

20. Неъматов Н. Деҳаи аз қадим беунвон // Садои мардум. - 1994.-23 октябр.-С.3.

21. Раҳим А. Суруди миллӣ эҳтироми хосу муносибати чидди ро мехоҳад // Ҷумҳурият. - 2009. - 13 октябр.

22. Рожевиц Р.Ю. Поездка в южную и среднюю Бухару в 1906 г. // Изв. РГО.-Т. 17. - Вып. 9.-Спб., 1908.-634 с.

23. Семёнов А.А. Очерк устройства центрального административного управления Бухарского ханства позднейшего времени.-Сталинабад, 1954. - С. 8-14,55-62,65-66.

24. Теъдоди муҳоҷирони собиқ шӯравӣ ба Исроил // Ҷумҳурият. - 1999. - 6 январ.

25. Ҳотамов Н. Таърихи халқи тоҷик: (аз солҳои 60-уми асри XIX то соли 1924). - Душанбе: Амри илм, 2001.-360 с.

26. Ҷӯрабоев Р. Диёри шоир. - Душанбе: Ирфон, 1991.-228 с.

27. Шодипур Ю. Амалиёти туҷҷорӣ яхудиёни бухорӣ дар Ҳисори Шодмон ва Душанбе // Душанбе дар масири таърих: (Маҷмӯаи мақолаҳо). - Душанбе, 2005. - С. 44-54.

28. Юсупов Ш. К истории дореволюционного Душанбе (конец XIX – начало XX в.). - Душанбе: Дониш, 1988. - 116 с.